

فصلنامه آیین علوی

مقاله پژوهشی، شماره 13، بهار 1403، صفحات 67 الی 94

تاریخ دریافت: 1402/12/09؛ تاریخ داوری: 1403/02/12

جمال انسانی و دستهبندی‌های آن از منظر نهج البلاغه

محمدهادی امین ناجی⁵²؛ محبوبه زمانی⁵³

چکیده

جمال موجودات، تجلی جمال الهی در جهانند و انسان از والاترین مراتب آن در هستی است. در منابع دینی اهتمام ویژه‌ای به جمال انسان شده و نهج البلاغه که خود جلوه‌گاه جمال و زیبایی است، آن را مورد تأکید قرار داده است. در این نوشتار تلاش شده با تدبر در نهج البلاغه و با تأکید بر روش توصیفی - تحلیلی، انواع جمال انسانی و مراتب اهمیت آن از منظر این امام همام مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس پژوهش انجام شده، این نتیجه حاصل می‌شود که جمال انسانی به دو دسته کلی (1) جمال ظاهر که شامل: جسم، اخلاق و اعمال می‌باشد و (2) جمال باطن که سرچشمه همه زیبایی‌هاست و به‌ظاهر نیز تسری می‌یابد می‌توان تقسیم‌بندی نمود. بدیهی است شناخت بیشتر جمال انسانی و اهمیت آن، نقش ارزنده‌ای در مزین شدن افراد جامعه به انواع آن داشته و انسان و جامعه بشری را در مسیر سعادت قرار خواهد داد.

کلیدواژگان: جمال، جمال انسانی، جمال ظاهر، جمال باطن، نهج البلاغه

52. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)؛ aminnaji@pnu.ac.ir

53. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته نهج البلاغه، دانشگاه پیام نور؛ zamani.mh48@gmail.com



«الجمال» مصدر الجمیل و از ریشه جَمَلٌ و یَجْمَلُ به معنی زیبا بودن و حسن می‌باشد (فراهیدی، 1409ق: 6/143). این زیبایی از دو جنبه دارد: از جهت صورت و ظاهر خلقت به معنی تناسب در اعضاء و جوارح که در همه موجودات وجود دارد و به معنای درونی کلمه مانند صبر جمیل و جمال النفس. صبر جمیل به معنی رضایت داشتن است از آنچه که اتفاق می‌افتد گرچه مخالف خواسته ما باشد و جمال النفس نیز یعنی متصف شدن به صفات نورانی و روحانی درونی که همراه با تعادل و تناسب در آن صفات است (مصطفوی، 1368: 129). پس جمال انسان هم زیبایی‌های طبیعی و ذاتی مثل تناسب اعضاء در ظاهر و جسم را در بر می‌گیرد و هم داشتن خلقیات و رفتار زیبا و هم تناسب در صفات روحی و روانی افراد و معنویات را شامل می‌شود.

توجه به جمال و زیبایی از نیازهای فطری و تعلقات دیرینه بشری و مهم‌ترین عامل ایجاد شادی و نشاط است. جمال انسان و انواع آن از بیشترین گیرایی و جاذبه برخوردار بوده و از جنبه ظاهری و باطنی دارای اهمیت است. این نیاز و توجه فطری زمانی می‌تواند ارزش خود را حفظ کرده و ایجاد شور و نشاط کند که انسان با شناخت صحیح انواع جمال و میزان اهمیت هر کدام از ارکان آن خود را مزین به تمامی زیبایی‌ها و آراستگی‌ها نموده و از زشتی‌ها دور نگه دارد. ولی اگر ندانسته تنها یک جهت از زیبایی‌ها برگزیده شود و رشد یابد، انسان را از مسیر سعادت دور نموده و از رشد و کمال جدا می‌سازد. در برخی منابع، دسته‌بندی‌هایی از جمال و زیبایی انسانی صورت گرفته ولی کامل‌ترین دسته‌بندی‌ها و ارزشمندترین تقسیم‌ها را می‌توان در منابع دینی از جمله نهج البلاغه که پس از قرآن کریم در رفیع‌ترین جایگاه متون دینی قرار دارد، یافت و از آن بهره جست. جمال و زیبایی در این کتاب گران‌قدر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در بیشتر موارد مورد توجه و سفارش قرار گرفته است؛ هم جمال و زیبایی‌هایی که خداوند آنها را خلق



کرده و هم آراستگی‌هایی که توسط آدمی می‌تواند پدید آید و میزان ارزش، چگونگی ارتباط و حکمت هر کدام از آنها مورد توجه قرار گرفته و حتی گاهی هشدارهایی نیز داده است که در نوشتار حاضر به آنها پرداخته خواهد شد.

بیان مسئله

خداوند جمال هستی را برای استقرار روح قرار داده تا در جوار مادیات دچار خمودگی نشود. با توجه به انواع زیبایی‌ها، میزان لذت و رضایت از آنها متفاوت است؛ چنانکه لذت محسوس، ناشی از زیبایی‌های حسی است و جمال معنوی مرتبه‌ای بالاتر از محسوس و مقدمه‌ای برای دریافت جمال الهی است و «لذت فوق معقول آنجاست که انسانی به فتح قلّه بسیار مرتفع کمال انسانی نائل می‌شود و از آنجا بی‌نهایت را شهود می‌کند که این غیر قابل وصف است» (جعفری، 1381: 186).

از آنجا که جمال انسانی در منابع مختلف دارای اهمیت و مراتبی است و منابع دینی مهم‌ترین منشأ در این حوزه می‌باشد، لذا این سؤال مطرح می‌شود که در میان این منابع، جمال انسان در نهج البلاغه که پس از قرآن کریم از جایگاه والایی برخوردار است، دارای چه تعریف و دسته‌بندی و مراتبی است؟ نوشتار حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش به شیوه توصیفی - تحلیلی برآمده و سعی کرده با محوریت کلام امیرالمؤمنین (ع) در فرازهای مختلف نهج البلاغه، جمال و زیبایی و انواع و مراتب آن را مورد اشاره و بررسی قرار دهد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در خصوص جمال و زیبایی صورت گرفته که برخی از آنها عبارتند از: مقاله «از جمال‌شناسی تا زیبایی‌شناسی»، تقوایی، 1381. این نوشتار توضیحی درباره جمال‌شناسی و زیبایی ارائه داده و ویژگی‌های هنر و زیبایی برآمده از جمال‌شناسی را بیان



نموده است. پژوهشگر به دنبال روشن نمودن تفاوت‌های جمال‌شناسی دینی با زیبایی‌شناسی مدرن و ارائه راهکارهایی است که هنر را در جایگاه واقعی خود قرار دهد. مقاله «مفاهیم زیبایی‌شناختی در قرآن»، خرقانی، 1385. پژوهشگر در این نوشتار به بررسی واژگان زیبایی در قرآن پرداخته و پدیده‌های زیبایی‌شناختی و نشانه‌های آن در قرآن را مورد بررسی قرار داده و بر اساس آن اثبات می‌کند که خداوند سرچشمه همه زیبایی‌هاست و جهان تجلی این جمال است که برای آزمایش انسان‌ها به وجود آمده است. مقاله «جمال در اسلام»، آریا و موسوی کاوکانی، 1388. این نوشتار به تعریف جمال، تقسیمات و مراتب آن در اسلام پرداخته و جمال در قرآن و روایات را مورد واکاوی قرار داده و آن را بهترین راه برای رسیدن به جمال حقیقی معرفی می‌کند.

مقاله «بازنمایی ماهیت زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث»، سعیدی، 1393. در این نوشتار پژوهشگر به دنبال چارچوب زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن و روایات است و ماهیت زیبایی‌شناسی قرآن را دارای سلسله مراتب می‌داند که از زیبایی عینی شروع شده و در نهایت به زیبایی ذهنی منتهی می‌گردد.

بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی بر مبنای جمال انسانی از منظر نهج البلاغه و دسته‌بندی‌های آن صورت نگرفته که تحقیق حاضر به آن پرداخته است.

ضرورت پژوهش

بیشتر جمال و زیبایی‌ها از منظر امام علی (ع) ستوده و مورد قبول است و از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چه جمال ظاهری و آراستگی که به آن سفارش شده و چه آراستگی‌های اخلاقی همچون فداکاری، صداقت، عدالت و... که ایجاد انس و الفت و یکدلی و یکرنگی در جامعه می‌کند و چه جمال باطنی که افکار و نیات را زیبا کرده و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به کمرنگ شدن همدلی‌ها و یکرنگی‌ها در بین افراد جامعه و افزایش توجه به سود و زیان شخصی و ازدیاد اهمیت به ظواهر و آراستگی‌های ظاهری



(تبرج) به جای فضایل و جمال درونی، به‌ویژه در بین جوانان، این نوشتار با محوریت نهج البلاغه به بیان جمال و زیبایی و مراتب و دسته‌بندی‌های آن پرداخته تا گامی باشد در جهت ارتقاء آگاهی‌های فردی و علاوه بر اهمیت دادن به آراستگی‌های ظاهری و فضایل اخلاقی، به جمال باطنی نیز توجه نموده و مبادرت ورزد و با از بین بردن ریشه‌های نفاق و دورویی، بیشترین تأثیر را در بهبود روابط اجتماعی داشته باشد.

تقسیمات و مراتب جمال انسانی

نهج البلاغه علاوه بر بلاغت زیبا و شگفت‌انگیزش که از عمق زیبایی و مفهوم برخوردار است، سرشار از مطالب و موضوعات پرمعنا و زیباست. در میان این موضوعات به زیبایی و جمال نیز در قالب واژه‌هایی چون جمال، جمیل، صباحه، حسن و بهجت و کلمات زین، حلیه، زخرف، زبرج و نجد که از شاخه‌های آراستگی و زینت هستند و واژه‌های اعتدال، السوی، نظم، قدر، طیب، نمق، حبر و... پرداخته است که برخی از این واژه‌ها در ارتباط با جمال انسانی است و در ضمن بحث به آن پرداخته خواهد شد. چه زیبایی‌های طبیعی که انسان دخالتی در ایجاد آنها ندارد و چه آراستگی‌هایی که توسط انسان می‌تواند به‌وجود آید و شکل بگیرد در کلام امام (ع) مورد توصیه قرار گرفته است. حضرت (ع) در نهج البلاغه، جمال انسانی را به‌عنوان ارزشمندترین زیبایی‌ها یاد کرده که خداوند او را به بهترین وجه صورت داده و اعتدال بخشیده است: «أَيُّهَا الْمَخْلُوقُ السَّوِيُّ وَالْمُنُّ؛ أَيُّ انْسَانٍ آفَرِيده شده در حد اعتدال» (نهج البلاغه، خطبه 162). ایشان هم در بعد طبیعی و هم در بعد زینت و آراستگی، چه در حوزه مادی و ظاهری و چه در حوزه روحی و باطنی، سفارشات فراوانی را بیان فرموده است. حضرت (ع)، هدف از خلق جمال هستی را رشد انسان دانسته تا با در اختیار قرار گرفتن آن جهان را مسخر خود نموده و به منتهای درجه جمال و زیبایی یعنی کمال و قرب الهی نایل گردد (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه 143).



جمال انسان در نهج البلاغه را در یک دسته‌بندی کلی می‌توان به جمال ظاهر و جمال باطن تقسیم‌بندی نمود که هر کدام از این دو هم در بعد طبیعی و ذاتی و هم در حوزه آراستگی و زینت می‌باشند. حضرت (ع) در روایتی می‌فرماید: «جمال ظاهر نیکویی صورت است و جمال باطن نیکویی سریرت؛ یعنی آنچه نهان است از خواها و خصلت‌ها و عزم‌ها و قصدها» (خوانساری، 1366: 1/ 313).

1. جمال ظاهر

ظاهر به معنی آشکار، پیدا، نمایان (عمید، 1377: 299) است و جمال ظاهر به آن قسمت از زیبایی‌هایی گفته می‌شود که هویدا و آشکار است. امام علی (ع) علاوه بر جسم، فضایل اخلاقی را نیز از جمله جمال ظاهری انسان دانسته و می‌فرماید: «خرد پرده اسرار است و فضیلت، جمال پدیدار...» (کلینی، 1375: 1/ 59)؛ یعنی جمال ظاهر علاوه بر زیبایی‌های جسمانی، زیبایی‌های اخلاق و رفتار و کردار و اعمال زیبا و عشق و محبت را نیز شامل می‌شود؛ چنانکه در شرح «فضیلت جمال پدیدار» بیان شده است «الفضل جمال ظاهر»: «أی الإحسان و التودد إلى الخلق جمال ظاهر» (سلیمانی آشتیانی و درایتی، 1387: 1/ 75). واژه «التودد» به معنی محبت نشان دادن، اظهار عشق و دوستی کردن و جلب محبت کردن است (ر.ک: آذرنوش، 1392).

1-1 زیبایی‌های جسمی

جمال طبیعی: برخی از مشخصه‌های زیبایی در انسان با خلقتش عجین شده و جزئی از طبیعت او هستند؛ مانند زیبایی جسمانی و بخشی از خصلت‌های اخلاقی و ذاتی که انسان دخالتی در ایجاد آنها ندارد و ائمه اطهار (ع) آنها را شاخه‌ای از زیبایی‌های بهشتی معرفی کرده‌اند (ابن بابویه، 1367: 5/ 9).

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه درباره تناسبات اندام و ترکیب جسم انسان می‌فرماید: «وَأَسْلَاءَ جَامِعَةً لِأَعْضَائِهَا مَلَائِمَةً لِأَحْنَائِهَا فِي تَرْكِيبِ صُورِهَا وَ مُدَدِ عُمْرِهَا؛ و اندام‌هایی بخشید



که خود اجزائی در بر دارند و هر یک از اندام‌ها را در جای مناسب خود قرار داد، در ترکیب خاص خود و بر دوام» (نهج البلاغه، خطبه 82) (سید رضی، 1378: 157). این بخش شامل تمامی انسان‌ها می‌شود و خداوند متعال به غیر از استثنائات آن را یکسان به همه انسان‌ها عطا نموده است. اما بخشی که انسان‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند، ترکیب خاص صورت و تفاوت در رنگ چهره و قد و قامت است که موجب ایجاد اختلاف در زیبایی‌های جسمی بین افراد نسبت به یکدیگر می‌شود؛ بخش دیگری از جمال طبیعی انسان‌هاست که خداوند آن را در افراد مختلف، متفاوت خلق نموده است. حضرت علی (ع) در خطبه 234 زیبایی‌های جسمی و بخشی از خلق و خو و خصلت‌های متفاوت افراد را برگرفته از طبایع مختلف و خاک و گلی دانسته که از آن به وجود آمده‌اند و می‌فرماید: «سرشت و طینت مردم است که آنها را از هم جدا می‌کند؛ زیرا از قطعه زمینی به وجود آمده‌اند که شور یا شیرین یا سخت یا نرم بوده است. پس برحسب نزدیک بودن زمینشان به یکدیگر نزدیک‌اند و بر حسب اختلاف زمین‌هاشان از یکدیگر متفاوت. نیکو منظری است کم‌خرد، بلندبالایی است، کوتاه همت، نیکوکرداری است زشت‌روی، کوتاه‌قامتی است دوراندیش، نیکوسرشتی است که خود را به راه بد افکنده. سرگشته دل است و پراکنده ذهن، گشاده‌زبان است و بینا درون» (همان، خطبه 234). ابن میثم در شرح این خطبه بیان می‌کند که امام (ع) در این سخنان به عنصر اصلی ایجاد اختلاف و تفاوت صوری و اخلاقی بین انسان‌ها اشاره فرموده است (ابن میثم بحرانی، 1375: 213/4).



تفاوت جمال طبیعی زن و مرد: اختلاف انسان‌ها در خلق جنسیتی موجب تفاوت در جمال و زیبایی بین آنها نیز شده است. حضرت علی (ع) در تفاوت ظاهری و زیبایی‌های جسمی، زنان را در زیبایی و ظرافت به گل تشبیه فرموده که توان انجام کارهای سنگین و خشن را ندارند: «.. وَلَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ؛

... و کاری را که برون از توان اوست، به او مسپار، زیرا زن چون گل ظریف است، نه پهلوان خشن» (همان، نامه 31) (سید رضی، 1378: 679). ضرورت بقاء و ایجاد نسل، این نوع از تفاوت جمال بین دو جنس مخالف را ایجاب می‌کند. حضرت (ع) بهره‌مندی از این نوع زیبایی‌های زندگی را لازم و ضروری دانسته و به آن سفارش فرموده و بیان می‌دارد که باید بخشی از ساعات زندگی را به آن اختصاص داد و نیز جهت بهره‌مندی از آن را مسیر شرع و فرامین الهی می‌داند: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ ... وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ ...» (همان، حکمت 382) (سید رضی، 1378: 995). همچنین می‌فرماید: «كَانَ جَالِسًا فِي أَصْحَابِهِ فَمَرَّتْ بِهِمْ أَمْرَاءٌ جَمِيلَةٌ فَرَمَقَهَا الْقَوْمُ بِأَبْصَارِهِمْ فَقَالَ (ع) إِنَّ أَبْصَارَ هَذِهِ ...» (همان، حکمت 412) (سید رضی، 1378: 1009). و ترک‌کننده آن را مورد سرزنش قرار داده و شخصی که خود را از این نوع جمال محروم کند، فردی پست و حقیر معرفی می‌کند که شیطان او را گمراه نموده است: «يَا عَدِيَّ نَفْسِهِ لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَبِيثُ ... أ تَرَى اللَّهُ أَحَلَ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَ هُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا ...» (همان، خطبه 200) (سید رضی، 1378: 481).

بخش دیگر این اختلاف طبیعی در تفاوت جمال رفتاری است که زن و مرد در روش ارائه افکار و عقاید آن را نمایان می‌سازند. حضرت علی (ع) در روایتی می‌فرماید: «عُقُولُ النِّسَاءِ فِي جَمَالِهِنَّ وَ جَمَالُ الرِّجَالِ فِي عُقُولِهِمْ؛ خرد زنان از جمال آنها است و جمال مردان در خرد آنها» (مجلسی، 1403 ق: 82 / 1)؛ یعنی «زن باید طرائف حکمت را در طرائف هنر ارائه دهد و مرد باید طرائف هنر را در طرائف حکمت جلوه‌گر نماید؛ یعنی جلال زن در جمال او نهفته است و جمال مرد در جلال او تجلی می‌یابد» (جوادی آملی، 1369: 28). این تفاوت بیشتر در خصلت‌های ذاتی و تفاوت احساسی بین دو جنس مذکر و مؤنث است که این تباین و اختلاف را ایجاد نموده است؛ چرا که روش ارائه و نمایان ساختن زیبایی‌ها در این دو جنس متفاوت است و حضرت (ع) می‌فرماید: «خِيَارُ خِصَالِ النِّسَاءِ شِرَارُ خِصَالِ



الرِّجَالِ الزَّهْوُ وَالْجُبْنُ وَالْبُخْلُ فَإِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَرْهُوَّةً لَمْ تُمَكِّنْ مِنْ نَفْسِهَا وَإِذَا كَانَتْ بَخِيلَةً حَفِظَتْ مَالَهَا وَ مَالَ بَعْلِهَا وَإِذَا كَانَتْ جَبَّانَةً فَرِقَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَعْرِضُ لَهَا؛ بهترین خصلت‌های زنان، بدترین خصلت‌های مردان است: نازش به خود، ترس و بخل. چون زن به خود نازد، به کس سر فرود نیارد و چون بخیل باشد، مال خود و شویش را نگه دارد و چون ترسو بود، از هر چه بدو روی آورد، هراسان گردد» (همان، حکمت 225) (سید رضی، 1378: 905).

زیبایی‌های طبیعی جسمانی گرچه دارای اهمیت است، ولی توجه بیش از اندازه و هدف قرار دادن آن انسان را دچار غفلت خواهد نمود. حضرت (ع) این نوع از جمال را فانی دانسته و در شرح حال کسانی که از این دنیا رفته‌اند می‌فرماید: «وَتَكَلَّمُوا مِنْ غَيْرِ جِهَاتِ التُّنُقِ فَقَالُوا كَلَحَتِ الْوُجُوهُ النَّوَاضِرُ ... فَأَنَمَحَتْ مَحَاسِنُ أَجْسَادِنَا وَ تَنَكَّرَتْ مَعَارِفُ صُورِنَا ... فَكَمْ أَكَلَتِ الْأَرْضُ مِنْ عَزِيزِ جَسَدٍ وَأَنِيقِ لَوْنٍ؛ به زبان حال می‌گویند که چهره‌های شاداب ما گرفته و زشت شده و پیکرهای نرم ما بیجان گردیده ... و زیبایی‌های جسم ما را محو و نابود کرده زیبایی از چهره‌های ما گریخته ... زمین چه پیکرهای عزیز و خوش آب و رنگ را بلعیده است» (همان، خطبه 212) (سید رضی، 1378: 509).

ایجاد زیبایی و آراستگی: میل درونی انسان به زیبایی است که او را به دنبال خلق آن می‌کشاند و ابتدایی‌ترین خلق زیبایی، آراستگی ظاهری است که در جسم و صورت نمایان می‌شود. خداوند در قرآن این خواهش درونی انسان را با مجاز دانستن در ایجاد زیبایی پاسخ گفته و می‌فرماید: «اوست که دریا را رام و مسخر کرد تا از آن گوشت تازه بخورید و زینتی را که می‌پوشید از آن بیرون آورید و...» (نحل / 14). تعالیم دینی اسلام مملو از دستورات دقیقی است که بر آراستگی و زیبایی تأکید دارد و آن را نشانه‌ای از ایمان می‌داند؛ چنانکه پیامبر (ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ



يَتَهَيَّأ لَهُمْ وَيَجْمَلُ؛ خداوند متعال دوست دارد وقتی بنده‌اش نزد برادران خود می‌رود، خود را آماده کند و بپاراید» (طبرسی، 1375: 35).

حضرت (ع) در خطبه 184 آراستگی و توجه به زیبایی را یکی از نشانه‌های مؤمنان و بندگان خدا دانسته و در همین راستا در تمجید از مردان پرهیزگار می‌فرماید: «فَمِنْ عِلْمَاءِ أَحَدِهِمْ أَنْكَ تَرَى ... وَ خُشُوعاً فِي عِبَادَةِ وَ تَجَمُّلاً فِي فَاقَةِ وَ صَبْرًا فِي شِدَّةٍ وَ ...؛ نشانه یکی از پرهیزکاران آن است ... که در بندگی و عبادت فروتن است و در فقر و نیازمندی آراسته جلوه می‌کند تا کسی بر تنگدستی او آگاه نشود» (فیض الاسلام، 1379: 619 / 3).

از جمله سفارشات بیان شده در نهج البلاغه برای ایجاد آراستگی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رنگ کردن مو: «الْخِضَابُ زِينَةٌ؛ خضاب آرایش است ...» (نهج البلاغه، حکمت 465)

(سید رضی، 1378، 1033). آیت‌الله مکارم شیرازی اشاره می‌کند که رنگ کردن مو با توجه به این حدیث یکی از مستحبات دین است (مکارم شیرازی، 1390: 120 / 12).

استفاده از معطرات و بوی خوش؛ چنانکه حضرت (ع) می‌فرماید: «نِعْمَ الطَّيِّبُ الْمِسْكُ خَفِيفٌ مَحْمِلُهُ عَطْرٌ رِيحُهُ» (همان، حکمت 397) و نیز می‌فرماید: «... بوی خوش بیمار را بهبود بخشد ...» (همان، حکمت 392) (سید رضی، 1378، 999).

- پوشیدن لباس‌های رنگارنگ: حضرت (ع) می‌فرماید: «أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي ... وَ الْأَسْكُمُ الرَّيَاشَ وَ أَرْفَعَ لَكُمْ الْمَعَاشَ؛ ... و آنکه پیکرهای شما به جامه‌ها بیاراسته است» (همان، خطبه 82) (سید رضی، 1378: 153).

- زیبایی محیط زندگی: حضرت (ع) در این خصوص می‌فرماید: «وَ لَا يَتَقَنَّ عَلَيْكَ شَيْءٌ ... وَ تَزْيِينِ وَ لَا يَتَّكَ مَعَ اسْتِجْلَابِكَ حُسْنُ ثَنَائِهِمْ ...؛ کاستن از خراج بر تو گران نیاید، زیرا اندوخته‌ای شود برای آبادانی بلاد تو و زیور حکومت تو باشد» (همان، نامه 53).



- انتخاب نام زیبا برای فرزندان: حضرت (ع) در این خصوص می‌فرماید: «وَقَالَ عِزُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا... حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ...؛ فرزند را بر پدر حقی است و پدر را نیز بر فرزند حقی... و حق فرزند بر پدر این است که برای او نامی نیکو برگزیند و نیکو ادبش کند و قرآنش بیاموزد» (همان، حکمت 391) (سید رضی، 1378: 997).

2-1 زیبایی‌های اخلاق و آداب

فضائل اخلاقی از جمله محاسن و جمالی است که هم موجب آراستگی ظاهری می‌شود و هم قلب را منور به انوار الهی کرده و ایجاد جمال درونی می‌کند. حضرت علی (ع) جمال انسان را در خصائص اخلاقی نظیر بردباری، پرهیزگاری، راست‌گویی و... دانسته و می‌فرماید: «زیبایی مرد بردباری اوست» (خوانساری، 1366: 3/ 356).

این نوع جمال نیز دارای دو بعد است: بخشی ذاتی و فطری و بخشی اکتسابی که امام صادق (ع) آن را به نام «نیت» دانسته و می‌فرماید: «خلق و خوی بخششی است که خدای عز و جل به مخلوقش عطا می‌کند، برخی از آن غریزی و فطری و برخی از آن نیت است (یعنی با تصمیم و اکتساب و تمرین پیدا می‌شود و غریزه و فطرت ثانوی می‌گردد). عرض کردم: کدام یک از این دو بهتر است؟ فرمود: آنکه غریزه دارد، بر آن سرشته شده و غیر آن نتواند کند و آنکه نیت دارد، به‌سختی خود را به صبر بر طاعت وا می‌دارد، پس این بهتر است» (کلینی، 1369: 3/ 159)⁵⁴.



54. «عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْخُلُقَ مَنِيحَةٌ يَمْنَحُهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَهُ فَمِنْهُ سَجِيَّةٌ وَمِنْهُ نِيَّةٌ فَقُلْتُ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ فَقَالَ صَاحِبُ السَّجِيَّةِ هُوَ مَجْبُولٌ لَا يَسْتَطِيعُ غَيْرَهُ وَصَاحِبُ النِّيَّةِ يَصْبِرُ عَلَى الطَّاعَةِ تَصَبُّراً فَهُوَ أَفْضَلُهُمَا» (کلینی، 1407ق: 101/2).

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الْعِلْمُ وَرَأْيُهُ كَرِيمَةٌ وَالْأَدَابُ حُلٌّ مُجَدَّدَةٌ وَالْفِكْرُ مِرْآةٌ صَافِيَةٌ...» و آداب، زیورهایی نو به نو...» (نهج البلاغه، حکمت 4) (سید رضی، 1378: 797). منظور از «آداب» فضایل اخلاقی است؛ به خصوص مسائلی که در ارتباط با روابط اجتماعی باشد؛ مانند امانت، صداقت، محبت، خوش رفتاری، فصاحت و بلاغت در بیان و... «حلل مجدده» یعنی لباس زینتی است که هرگز کهنه نخواهد شد؛ یعنی صفات برجسته انسانی همانند لباس‌های زیبایی است که هرگز فرسوده نخواهند شد (مکارم شیرازی، 1390: 54/12). حضرت (ع) در این حکمت، فضائل اخلاقی را به لباس نو و زیبایی تشبیه نموده که کهنگی ناپذیر است و موجب آراستگی و زینت انسان می‌شود. تمیزی، زیبایی، جذابیت، نشاط‌آوری از جمله مشخصات لباس جدید و نو است و دوام در تازگی، این خصوصیات را تداوم می‌بخشد. این تشبیه بدین معناست که آراستن به آداب، روح انسان را همواره تازه و باطراوت و زیبا نگاه می‌دارد؛ یعنی شخصی که صادق، امانت‌دار، صبور، نیکوکار، خوش‌اخلاق و سخاوتمند و... است و به دیگران محبت می‌ورزد و این خلیات را ملکه رفتار خود قرار داده، همواره از آراستگی برخوردار است و مانند لباس همواره نو، همیشه صاحب جمال و زیبایی است.

امام علی (ع) ائمه اطهار (ع) را مصداق بارز این نوع جمال و گنجینه‌هایی از فضائل اخلاقی دانسته که از نهایت زیبایی برخوردارند؛ «وَهُمْ كُنُوزُ الرَّحْمَنِ» (همان، خطبه 154) (سید رضی، 1378: 351).

فضائل اخلاقی بیان شده در نهج البلاغه عبارتند از:

- تواضع و فروتنی: حضرت (ع) می‌فرماید: «مَا أَحْسَنَ تَوَاضُعِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ لَطَبًا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ تِيَهُ الْفُقَرَاءِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ اتِّكَالًا عَلَى اللَّهِ؛ چه نیکوست فروتنی توانگران در برابر بینوایان، برای به‌دست آوردن خشنودی خداوند و نیکوتر از آن، مناعت بینوایان است



در برابر توانگران به سبب توکلی که بر خدای دارند» (همان، حکمت 398) (سید رضی، 1378: 1001).

- **عفو و گذشت:** حضرت (ع) در این خصوص می‌فرماید: «... وَإِنْ أَعْفُ فَالْعَفْوُ لِي قُرْبَةٌ وَهُوَ لَكُمْ حَسَنَةٌ فَاعْفُوا أَوْ لَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؛ ... اگر عفو کنیم، موجب تقرب من به خداست و برای شما حسنه است. پس عفو کنید، آیا دوست ندارید که خدا بیامرزدتان» (همان، نامه 23) (سید رضی، 1378: 633).

- **صبر:** امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لارَأْسَ مَعَهُ وَلا فِي إِيْمَانٍ لاصْبَرَ مَعَهُ؛ بر شما باد به شکیبایی، زیرا شکیبایی نسبت به ایمان چون سر است نسبت به بدن، در بدنی که سر نباشد خیری نیست. همچنین است در ایمانی که با شکیبایی توأم نباشد» (همان، حکمت 79) (سید رضی، 1378: 831).

- **حسن خلق:** از مهم‌ترین آراستگی‌های اخلاقی و کلید ورود به برترین زندگی است (کلینی، 1369: 159 / 3). حضرت علی (ع) خوش‌رویی را وسیله‌ای برای ایجاد مودت دانسته و صبر و بردباری را دست‌آویزی برای از بین بردن زشتی‌ها بیان داشته و می‌فرماید: «وَالْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ وَالِاحْتِمَالُ قَبْرُ الْعُيُوبِ؛ و خوش‌رویی دام دوستی است و بردباری، گورگاه زشتی‌ها» (همان، حکمت 5) (سید رضی، 1378: 797) و نیز آن را گرمی‌ترین و بهترین همنشین بیان فرموده است: «... وَلا قَرِينَ كَحُسْنِ الْخُلُقِ وَلا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ؛ ... و هیچ همنشینی چون خوش‌خویی نیست و هیچ میراثی همچون ادب» (همان، حکمت 109). همچنین می‌فرماید: «... گرمی‌ترین حسب و نسب، خلق نیکوست» (همان، حکمت 37).



3-1 زیبایی‌های اعمال

اختیاری بودن زیبایی‌های اعمال این نوع جمال را از دیگر زیبایی‌های ظاهری متمایز می‌سازد. این امر با فرا گرفتن الگوهای مناسب و شایسته می‌تواند صورت پذیرد. حضرت علی (ع) اعمال پسندیده را بهترین میراث برای فرزندان دانسته و در نامه خود به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «أَيُّ بُيٍّ... فَاسْتَخَلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَهُ وَ تَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ وَ صَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ...» ای فرزند ... پس برای تو از هر عمل، پاکیزه‌تر آن را برگزیدم و جمیل و پسندیده‌اش را اختیار کردم ... «(همان، نامه 31) (سید رضی، 1378: 668). حضرت (ع) در این نامه اهمیت زیبایی اعمال و اکتسابی بودن آن را بیان فرموده و بدان توجه داده است. زیبایی‌های اعمال که حضرت (ع) در نهج البلاغه به آن سفارش فرموده عبارتند از:

- **عفت و پاکدامنی:** که زینت‌دهنده بینوایان است و حضرت (ع) در این خصوص می‌فرماید: «الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ وَ الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى؛ پاکدامنی، زیور فقر است و شکرگزاری زیور توانگری» (همان، حکمت 333) (سید رضی، 1378: 967).

- **شکرگزاری:** زینتی برای توانگران و ثروتمندان است و حضرت (ع) در این خصوص می‌فرماید: «الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ وَ الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى؛ پاکدامنی، زیور بینوایی است و سپاسگزاری، آرایش توانگری است» (همان، حکمت 65) (سید رضی، 1378: 825).

- **همکاری:** عملی زیبا در اجتماع است و حضرت (ع) درباره آن می‌فرماید: «... فَعَلَيْكُمْ بِالتَّصَاحُحِ فِي ذَلِكَ وَ حُسْنِ التَّعَاوُنِ عَلَيْهِ؛ ... پس بر شماست که در چنین زمانی به یکدیگر اندرز دهید و یکدیگر را نیکو یاری دهید» (همان، خطبه 207) (سید رضی، 1378: 497).

- **کسب و کار نیک:** کسب حلال جمالی برای اندوخته‌ها و سرمایه‌های اقتصادی می‌باشد و حضرت (ع) می‌فرماید: «وَ أَنْكَ فِي سَبِيلِ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ فَخَفَّضَ فِي الطَّلَبِ وَ أَجْمَلُ فِي الْمُكْتَسَبِ فَإِنَّهُ رَبُّ طَلَبٍ قَدْ جَرَّ إِلَى حَرْبٍ وَ...» پس در طلب دنیا، لختی مدارا کن و سهل‌گیر



و در طلب معاش نیکو تلاش کن، زیرا چه بسا طلب که به نابودی سرمایه کشد» (همان، نامه 31) (سید رضی، 1378: 673).

- کارهای نیک و اعمال صالح: حضرت (ع) می‌فرماید: «فَبَادِرُوا بِأَعْمَالِكُمْ تَكُونُوا مَعَ جِيرَانِ اللَّهِ فِي دَارِهِ؛ ای همتام از خدا بترس و نیکوکار باش که خدا با کسانی است که پرهیزگاری کنند و نیکوکارند» (سید رضی، 1378: 443).

- احسان و نیکوکاری: از مهم‌ترین زیبایی‌های اعمال و مورد تأکید فراوان امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌باشد. حضرت (ع) می‌فرماید کل فرامین و دستورات الهی امر به نیکی کردن است: «فَإِنَّهُ لَمْ يَأْمُرْكَ إِلَّا بِحَسَنٍ وَلَمْ يَنْهَكَ إِلَّا عَنْ قَبِيحٍ؛ او تو را جز به نیکی فرمان ندهد و جز از زشتی باز ندارد» (همان، نامه 31) (سید رضی، 1378: 665). فراوانی پیام‌های امام (ع) در نهج البلاغه درباره نیکوکاری نشان‌دهنده اهمیت آن می‌باشد.

2. جمال باطن

والاثرین زیبایی‌های انسان جمال باطن است. درونی که آراسته به نیت و خواسته‌های زیبا باشد، اعمال و رفتار زیبا نیز از خود نشان می‌دهد؛ چراکه اعمال بر اساس نیت و افکار صورت می‌پذیرد.

- ایمان: یکی از زیبایی‌ها و آراستگی‌هایی که ایجاد جمال باطنی می‌کند ایمان است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «... حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ و...؛ ... ولی خدا ایمان را محبوب شما قرار داده و در دل‌هایتان آن را زینت بخشیده است و...» (الحجرات/7). خداوند ایمان را رنگ الهی توصیف نموده است؛ یعنی هر کسی ایمان داشته باشد هم‌رنگ خداست. با خدا یکرنگ شدن یعنی پیوستن به جمال مطلق الهی و آراسته شدن به زیبایی‌های الهی؛ در این حالت است که نیت و اعمال و رفتار انسان همه زیبا می‌شود.



قرآن می‌فرماید: «فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» * صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ؛ پس اگر آنان هم به آنچه شما به آن ایمان آورده‌اید، ایمان آورند [که ایمان به قرآن و به پیامبر است] مسلماً هدایت یافته‌اند و اگر روی برتابند جز این نیست که در ستیز و دشمنی‌اند، پس به زودی خدا شرّ آنان را [به کشته شدن یا آوارگی از خانه و کاشانه] دفع خواهد کرد و او شنوا و داناست. [به یهود و نصاری بگویید:] رنگ خدا را [که اسلام است، انتخاب کنید] و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟ و ما فقط پرستش‌کنندگان اویسیم» (بقره/ 137 و 138). واژه «صبغه» از «صیغ» یعنی رنگ‌آمیزی کردن گرفته شده است و منظور از آن حالت و نحوه رنگ‌آمیزی و به معنای تطهیر است؛ زیرا ایمان به خدا، نفس و روان انسان‌ها را پاکیزه می‌کند. رنگ‌آمیزی خدا که همان فطرت پاک است موجب تطهیر مسلمانان می‌شود و هیچ رنگی بهتر از رنگ خدایی نیست (طبرسی، 1365: 185).

حضرت علی (ع) نیز در نهج البلاغه ایمان را نور و روشنایی دانسته که هر چه ایمان بیشتر و قوی‌تر شود زیبایی نیز بیشتر خواهد شد: «إِنَّ الْإِيمَانَ يَبْدُو لُمُظَةً فِي الْقَلْبِ كُلَّمَا ازْدَادَ الْإِيمَانُ ازْدَادَتِ اللَّمُظَةُ؛ ایمان آشکار می‌شود به صورت «لمظه» ای در دل، هر چه ایمان بیشتر شود، این لمظه بزرگ‌تر گردد» (نهج البلاغه، حکمت 5) و نیز ایمان و عمل (جمال ظاهر و باطن) را مکمل یکدیگر دانسته و می‌فرماید: «فَبِالْإِيمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ وَبِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ؛ به ایمان است که به کارهای نیکو راه توان برد و به کارهای نیکوست که ایمان را توان دانست» (همان، خطبه 155) (سید رضی، 1378: 357).

- عقل: از زینت‌بخش‌ترین زیبایی‌هایی است که خداوند آن را به انسان عطا فرموده است؛ چراکه مهمترین راه به سوی روشنایی‌هاست. امام علی (ع) می‌فرماید: «... وَ لِأَجْمَالِ أَرْزِينُ مِنَ الْعَقْلِ ...؛ هیچ زیبایی زینت‌بخش‌تر از عقل نیست (کلینی، 1407ق: 19/8).



امام (ع) در نهج البلاغه عقل را نافع‌ترین دارایی دانسته که انسان می‌تواند از آن برخوردار باشد: «فَبِالْإِيمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ وَبِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ؛ هیچ ثروتی سودمندتر از عقل نیست ... و هیچ عقلی، چون اندیشیدن و تدبیر نیست ...» (نهج البلاغه، حکمت 109) (سیدرضی، 1378: 849). حضرت (ع) در این حکمت اندیشیدن و تدبیر را بالاتر از هوش طبیعی انسان‌ها دانسته است؛ چراکه به واسطه تدبیر است که می‌توان زشت و زیبا را از هم تشخیص داد و مسیر رشد و هدایت را یافت. با عقل است که می‌توان به دنبال آموختن علم و ادب و حکمت رفت و آن را زینت‌بخش باطن خود ساخت.

بیانات امام علی (ع) در ارتباط با جمال باطن در نهج البلاغه عبارتند از:

- علم: حضرت (ع) آن را زیباترین یادگار پس از مرگ دانسته و می‌فرماید: «مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ دِينَ يُدَانُ بِهِ يَكْسِبُ الْإِنْسَانُ الطَّاعَةَ فِي حَيَاتِهِ وَجَمِيلَ الْأُخْدُوثةِ بَعْدَ وَفَاتِهِ؛ شناخت فضیلت علم، رکنی از ارکان دین است که باید بدان گردن نهاد. به علم است که آدمی تا هنگامی که زنده است به اطاعت پروردگارش پردازد و پس از مرگش نام نیک او بر جای ماند. علم، حاکم است و مال، محکوم» (حکمت 139) (سیدرضی، 1378: 867).

- تقوا: حضرت (ع) تقوا را زیباترین پناهگاه دانسته و می‌فرماید: «...و لَمَعْلٍ أَحْسَنُ مِنَ الْوَرَعِ وَ...» و هیچ پناهگاهی، بهتر از پارسایی نیست ...» (حکمت 363) (سیدرضی، 1378: 983).

- هدایت: حضرت (ع) هدایت را آراستگی درونی دانسته و می‌فرماید: «وَمِنْهُ إِنِّي وَاللَّهِ لَوْ لَقَيْتُهُمْ وَاحِدًا وَهُمْ طِلَاعُ الْأَرْضِ وَالْهُدَى الَّذِي أَنَا عَلَيْهِ لَعَلِي بَصِيرَةٌ...؛ به خدا سوگند، اگر با ایشان روبرو شوم، من تنها باشم و آنها روی زمین را پُر کنند، نه باک دارم و نه هراس، زیرا



به آن گمراهی که آنان در آن غرقه‌اند و آن هدایتی که خود بدان آراسته‌ام، نیک آگاهم» (همان، نامه 62) (سید رضی، 1378: 765).

- **یقین:** حضرت (ع) یقین را برطرف‌کننده اندوه دانسته و می‌فرماید: «اطْرَحْ عَنْكَ وَاِرْدَاتِ الْهُمُومِ بَعْرَائِمِ الصَّبْرِ وَ حُسْنِ الْيَقِينِ؛ هر غم و اندوه را که بر تو روی آرد، به افسون شکیبایی و یقین نیکو از خود دور ساز» (همان، نامه 31) (سید رضی، 1378: 679).

- **حسن نیت:** حضرت (ع) حسن نیت را افکار زیبای درونی دانسته و می‌فرماید: «وَأَشْهَدُ ... شَهَادَةً مِنْ صِدْقَتِ يَتِيهِ وَ صَفَتِ دَخَلْتُهُ وَ خَلَصَ يَقِينُهُ وَ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ؛ شهادت کسی که نیتش صادق است و باطنش از هر شائبه مبراست و یقینش خالص است و کفه ترازی عملش به نیکی سنگین است» (همان، خطبه 178) (سید رضی، 1378: 421).

- **حسن ظن:** برترین آنها حسن ظن به پروردگار بوده و لازم است با خوف الهی همراه باشد. حضرت (ع) می‌فرماید: «... وَ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ يَشْتَدَّ خَوْفُكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ أَنْ يَحْسُنَ ظَنُّكُمْ بِهِ فَاجْمَعُوا بَيْنَهُمَا...؛ اگر توانستید که میان شدت خوفتان از خدا و حسن ظن به او جمع کنید، چنین کنید؛ زیرا بنده خدا باید حسن ظنش به خدا به قدر خوفش از او باشد. از میان بندگان خدا، کسانی حسن ظنشان به خدا بیشتر است که خوفشان بیشتر باشد» (همان، نامه 27) (سید رضی، 1378: 645).

3. ارتباط جمال ظاهر و جمال باطن

گرچه باطن بخش درونی و مستور انسان‌هاست ولی همیشه از دید دیگران پنهان نمی‌ماند. آثار آنچه که در ضمیر آدمی وجود دارد در اعمال و کردار افراد نمایان می‌گردد. حضرت علی (ع) ظاهر را آشکارکننده باطن انسان دانسته و می‌فرماید: «مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ؛ هیچ کس چیزی را در دل نپنهان ننمود، مگر آنکه در سخن نابجایی که از دهانش می‌پرد یا در صفحات چهره‌اش هویدا شود» (همان، حکمت



25) (سیدرضی، 1378: 805). ابن ابی الحدید در شرح این کلام امام (ع) می‌گوید: «چشم و چهره و زبان همنشینان خبرهای قلب هستند» (ابن ابی الحدید، 1341: 137/18). امام (ع) می‌فرماید: «هر که باطن خود را نیکو سازد، خداوند هم ظاهرش را نیکو جلوه دهد، هر که برای دینش کار کند، خداوند کار دنیایش را کفایت کند و هر که رابطه خود را با خدا نیکو گرداند، خداوند رابطه او را با مردم نیکو گرداند» (همان، حکمت 415) (سیدرضی، 1378: 1011)؛ یعنی «آراستن باطن و درون انسان به وسیله اخلاق خوب زمینه‌ای است برای آنکه خداوند گفتار و رفتار ظاهری او را به لطف خود اصلاح کند؛ زیرا آراستگی ظاهر به منزله نتایج آرایش باطن است و همچنین عمل انسان به خاطر دین و برپا داشتن حدود الهی زمینه است برای اصلاح حال او در زندگی دنیوی‌اش و انگیزه‌ای است برای توجه مردم نسبت به او، چون او به جای اینکه مثل آنها شیفته دنیا گردد به خدا توجه دارد و جمله آخر نیز همین معنی را دارد، زیرا که خالص ساختن بندگی برای خدا و نیکو ساختن رفتار خود باعث بریدن از محبت و حرص بر دنیایی است که باعث برهم زدن و فساد ما بین مردم است و در نتیجه زمینه برای از بین بردن و برطرف ساختن این فساد فراهم خواهد بود» (ابن میثم بحرانی، 1374: 757/5) و این آشکارسازی به دلیل آزمایش و توجه خداوند بر بندگانش است.

هر ظاهری آشکارکننده درون و باطن خودش است. حضرت (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «بدان که هر ظاهری را باطنی است همانند آن. آنچه ظاهرش پاکیزه باشد، باطنش نیز پاکیزه است و آنچه ظاهرش ناپاک باشد باطنش نیز ناپاک است. پیامبر راستگوی (ص) فرمود: بسا خداوند بنده‌ای را دوست دارد، ولی عملش را دوست ندارد و گاه عملش را دوست دارد، ولی کننده آن را دوست ندارد و بدان که هر عملی را درختی است که آن عمل به مثابه میوه آن است و هیچ درختی از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گونه



گونه‌اند. هر آنچه آبیاریش نیکو، درختش نیکو و میوه‌اش شیرین است و هر آنچه آبیاریش بد، درختش بد و میوه‌اش تلخ است» (همان، خطبه 153) (سیدرضی، 1378: 351). مدرس وحید در شرح این خطبه بیان می‌گوید این کلام امام (ع) برگرفته از قرآن مجید است (سوره اعراف / 58) و این یک قضیه کلی است که هر ظاهری باطنی مثل خودش دارد؛ زیرا ظاهر آئینه باطن است. همچنین در مثل مشهوری است که «از کوزه همان برون تراود که در اوست»؛ یعنی هر آنچه در باطن افراد هست، در ظاهرشان که شامل چهره و گفتار و افعال آنان است نیز آشکار خواهد شد. پس حقیقت درونی اشخاص اگر جمیل و زیبا باشد، ظاهر او نیز زیبا خواهد بود؛ مثل حسن خلق و معاشرت نیکو، جود و سخا، حلم و گفتار نیک و... که دلیل بر وجود این زیبایی‌ها در باطن و ملکات نفسانی افراد می‌باشد و بخل، حسد، بدخلقی و... نشان از نازیبایی‌های باطنی است (مدرس وحید، 1360: 10/145). حضرت (ع) اشاره می‌کند که گاهی نفس بنده محبوب خداست و عملش مبعوض اوست؛ یعنی ممکن است از بنده پرهیزگار و مؤمنی سهواً یا عمداً عمل قبیحی سر بزند که خدا آن را مبعوض می‌دارد، ولی برعکس گاهی شخص کافری عمل نیکویی را انجام می‌دهد که خدا آن را دوست می‌دارد ولی نیت شخص و انجام دهنده آن را دوست ندارد. مدرس وحید در شرح این بخش از خطبه بیان می‌دارد که استشهاد امام علی (ع) به این کلام پیامبر (ص) برای تشویق و ترغیب افراد به یکسان‌سازی ظاهر و باطن است؛ یعنی هر که نفس و نیتش خوب است و محبوب خداست سعی کند تا عملش نیز در همان راستا باشد تا مورد لطف و عنایت خداوند قرار گیرد و برعکس (همان، 10/146).



بنابراین برای ایجاد جمال ظاهر ابتدا باید به باطن پرداخت و آن را از انواع آلودگی‌ها تزکیه نمود و به افکار و نیات و خواسته‌های زیبا آراست تا این آراستگی‌ها در ظاهر نیز جریان یافته و اعمال و رفتار و گفتار انسان نیز در پی آن زیبا و خوشایند شوند. جمال باطن محقق نمی‌شود مگر با اخلاص و پاکیزه کردن نیات؛ چنانکه حضرت (ع) در آخر این

خطبه مثالی را می‌زند و بیان می‌کند: «... هیچ درختی از آب بی‌نیاز نیست ...». ابن ابی الحدید آن را به اخلاص که ضد ریا است، تفسیر نموده است؛ یعنی هر عملی که با خلوص نیت برای خدا انجام شود نه برای غیر خدا، پس تزکیه و رشد بوده و محصول آن شیرین است و هر کاری که با ریا و برای شهرت باشد، پس تزکیه و رشدی در آن نیست، بنابراین میوه آن به مذاق تلخ می‌آید (ابن ابی الحدید، 1338: 180/6). بنابراین عملی که بر اساس نیت خالص برای خداوند انجام گیرد، موجب جمال و همچنین رشد و کمال است. این به واسطه لطف و عنایت خداوند نسبت به بندگانش صورت می‌گیرد؛ یعنی هر کس نیت خود را برای خدا خالص و زیبا گرداند، خداوند نیز لطف خود را شامل حال او نموده، اعمال و رفتار و گفتار او را می‌آراید؛ یعنی آراستگی ظاهری نیز نصیب او خواهد نمود.

آفات جمال

برای تثبیت و مداومت هر عملی لازم است که عوامل از بین‌برنده آن نیز شناخته و برطرف شود. در موضوع جمال و زیبایی نیز برخی از اعمال و خصلت‌ها همچون آفات و نابودکننده آنها هستند. این آفات در نهج البلاغه عبارتند از:

1. آفات آراستگی صورت

آراستگی و زیبایی‌های جسمی در عین حال که در روایات و احادیث مورد سفارش قرار گرفته‌اند، در برخی موارد ممانعت‌هایی نیز از آنها به عمل آمده است؛ زیرا می‌تواند عاملی برای ایجاد فساد باشد. به‌خصوص به بانوان سفارش شده تا زیبایی‌ها و زینت‌های خود را جز برای محارم خویش به نمایش نگذارند. امام علی (ع) نسبت به برخی زنان بی‌ایمان می‌فرماید: «إِنَّ النِّسَاءَ هُمُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا؛ وَ زَنَانُ هَمِّشَانِ آرَائِشِ اَيْنِ جِهَانِ وَ فِسَادُ كَرْدِنِ دَرِ اِنِ اَسْتِ» (نهج البلاغه، خطبه 152) (سید رضی، 1378: 349). همچنین حضرت (ع) برخی زمان‌ها را زمان مناسبی برای آراسته بودن نمی‌داند؛ به‌طور



مثال نداشتن آرایش و زینت در ایام مصیبت و عزاء به خصوص در ایام عزاداری ائمه (ع) را امری لازم دانسته و می‌فرماید: «وَقِيلَ لَهُ (ع) لَوْ غَيَّرْتَ شَيْبَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ عَ الْخِضَابُ زِينَةٌ وَ نَحْنُ قَوْمٌ فِي مُصِيبَةٍ يُرِيدُ وَفَاءَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ او را گفتند: یا امیرالمؤمنین، چه می‌شد که موی خود خضاب می‌کردید؟ فرمود: خضاب آرایش است و ما قومی مصیبت زده‌ایم (مرادش وفات رسول الله (ص) بود)» (همان، حکمت 465) (سید رضی، 1378: 1033). این سخن امام (ع) می‌تواند هشدار برای کسانی باشد که در مراسم عزاداری‌های ائمه (ع) به خصوص ایام عاشورا حسینی با انواع آرایش‌ها و زینت‌ها حاضر شده و خود را در معرض دید همگان قرار می‌دهند.

2. آفات جمال رفتار و اعمال

امام علی (ع) در نهج البلاغه برخی خصلت‌ها را به‌عنوان عوامل از بین برنده زیبایی‌های اعمال بیان کرده است؛ به‌طور مثال، جمال کبر و خودپسند را از مهم‌ترین این آفات می‌داند. امام (ع) دل‌بستگی به تعریف و تمجید دیگران که ممکن است موجب غرور انسان شود را از بهترین فرصت‌های شیطان دانسته و می‌فرماید: «وَأَيُّكَ وَالْإِعْجَابُ بِنَفْسِكَ وَالثَّقَّةُ بِمَا يُعْجِبُكَ مِنْهَا وَ حُبُّ الْإِطْرَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثَقِ فُرُصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ لِيَمْحَقَ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ الْمُحْسِنِينَ؛ از خودپسندی و اعتماد به آنچه موجب اعجابت شده و نیز از دل‌بستگی به ستایش و چرب‌زبانی‌های دیگران پرهیز کن؛ زیرا یکی از بهترین فرصت‌های شیطان است برای تاختن تا کردارهای نیکوی نیکوکاران را نابود سازد» (همان، نامه 53) (سید رضی، 1378: 747).

عواملی که در نهج البلاغه موجب از بین رفتن جمال رفتار و اعمال انسان می‌شود عبارتند از:
- بی‌عفتی: حضرت (ع) در این خصوص می‌فرماید: «الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ وَ الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى؛

پاکدامنی، زیور بینوایی است و سپاسگزاری، آرایش توانگری است» (همان، حکمت 65) (سید رضی، 1378: 825).



- **منت گذاشتن:** حضرت (ع) در این خصوص می‌فرماید: «وَإِيَّاكَ وَالْمَنْ عَلَى رِعْيَتِكَ بِإِحْسَانِكَ ... فَإِنَّ الْمَنْ يُبْطِلُ الْإِحْسَانَ وَالتَّزْيِيدَ يَذْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ وَ...؛ زنه‌ار از اینکه به احسان خود بر رعیت منت گذاری یا آنچه برای آنها کرده‌ای، بزرگش شماری یا وعده دهی و خلاف آن کنی؛ زیرا منت نهادن، احسان را باطل کند و بزرگ شمردن کار، نور حق را خاموش گرداند و خلف وعده، سبب برانگیختن خشم خدا و مردم شود» (همان، نامه 53) (سید رضی، 1378: 749).

- **خصومت به سبب نادانی:** حضرت (ع) در این خصوص می‌فرماید: «بِالْجَهْلِ دَامَ عَمَاهُ عَنِ الْحَقِّ وَ مَنْ زَاغَ سَاءَتْ عِنْدَهُ الْحَسَنَةُ وَ حَسُنَتْ عِنْدَهُ السَّيِّئَةُ وَ سَكِرَ سُكْرَ الضَّلَالَةِ؛ هر که به سبب نادانی به خصومت بپردازد، همواره دیده‌اش از دیدن حق نابینا باشد و هر که از حق منحرف گردد، نیکی را بدی انگارد و بدی را نیکی پندارد» (همان، حکمت 30) (سید رضی، 1378: 809).

- **همنشینان بد:** حضرت (ع) در این خصوص می‌فرماید: «لَا تَصْحَبِ الْمَأْتِقَ فَإِنَّهُ يُرِيْنُ لَكَ فِعْلَهُ وَ يُوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ؛ با احمق همنشین مباش که کردار خویش در چشم تو بیاراید و دوست دارد که تو را همانند خود سازد» (همان، حکمت 287) (سید رضی، 1378: 947). همچنین می‌فرماید: «أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَحْذَرُكُمْ أَهْلَ النِّفَاقِ فَإِنَّهُمْ الضَّالُّونَ الْمُضِلُّونَ ... قُلُوبُهُمْ دَوِيَّةٌ وَ صِفَاحُهُمْ نَقِيَّةٌ؛ ای بندگان خدا، شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم و از منافقان برحذر می‌دارم. منافقان، گمراهان و گمراه‌کنندگان» (همان، خطبه 185) (سید رضی، 1378: 451).

- **هم‌صحبتی با بخیل و حریص:** حضرت (ع) در این خصوص می‌فرماید: «با بخیلان رأی مزین که تو را از جود و بخشش باز دارند و نه با حریصان، زیرا حرص و طمع را در



چشم تو می‌آرایند که بخل و ترس و آزمندی، خصلت‌هایی گوناگون هستند که سوءظن به خدا همه را در بر دارد» (همان، نامه 53) (سید رضی، 1378: 725).

3. آفات جمال باطن

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه برخی عوامل را موجب از بین رفتن جمال باطن دانسته و پرهیز از آنها را متذکر شده است؛ چنانکه می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ يَسِيرَ الرِّيَاءِ شِرْكٌ وَ مُجَالَسَةَ أَهْلِ الْهَوَىٰ مُنْسَأَةٌ لِلْإِيمَانِ وَ مُحَضَّرَةٌ لِلشَّيْطَانِ جَانِبُوا الْكُذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ الصَّادِقُ عَلَىٰ شَفَا مَنجَاةٍ وَ كِرَامَةٌ وَ الْكَاذِبُ عَلَىٰ شَرَفٍ مَهْوَاهُ وَ مَهَانَةٌ وَ لَاتَحَاسَدُوا فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ وَ لَا تَبَاغُضُوا فَإِنَّهَا الْحَالِقَةُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يُسْهِى الْعَقْلَ وَ يُنْسِي الذِّكْرَ فَاعْذِرُوا الْأَمَلَ فَإِنَّهُ غُرُورٌ وَ صَاحِبُهُ مَغْرُورٌ» (همان، خطبه 85) (سید رضی، 1378: 171).

- **آرزوهای دور و دراز:** همانطور که در بالا اشاره شده مهمترین این آفات، آرزوهای دور و دراز است که حضرت (ع) در خصوص آن می‌فرماید: «پس به آرزوها که موجب سبکی عقل و فراموشی یاد خداست میدان ندهید که این خود گونه‌ای فریب است و کسی که چنان کند، فریب‌خورده است».

- **ریاکاری:** همچنین حضرت (ع) در این خطبه اشاره می‌کند: «بدانید که ریاکاری هر چند اندک بود شرک است».

- **دروغ:** همچنین حضرت (ع) در این خطبه اشاره می‌کند: «از دروغ حذر کنید که دروغ از ایمان دور است».

- **حسد:** همچنین حضرت (ع) در این خطبه اشاره می‌کند: «حسد مورزید که حسد ایمان را می‌خورد چنانکه آتش، هیزم را».

- **همنشینی با هواپرستان:** حضرت (ع) در این خطبه نیز اشاره می‌کند: «و همنشینی با اهل هوا و هوس ایمان را به فراموشی سپارد».

- **دشمنی:** حضرت (ع) در این خطبه نیز اشاره می‌کند: «با یکدیگر دشمنی مکنید که دشمنی هر خیر و برکتی را تباه می‌کند و خدا را از یاد می‌برد».



هشدارهای امام (ع) درباره زیبایی‌های فریبنده

با توجه به جذابیت جمال و زیبایی و فریبندگی برخی زینت‌ها، امام علی (ع) در نهج البلاغه، ما را متوجه خطرات برخی از آنها نموده و برحذر می‌دارد؛ اهم این فریبندگی‌ها عبارتند از:

- زینت‌های دنیوی: منظور از زینت‌های دنیا دلیستگی به زخارف دنیا و هدف قرار دادن آنهاست. اگر از دنیا بجا استفاده شود می‌تواند عاملی کمک‌کننده در جهت رشد و کمال انسان باشد، اما اگر صرفاً هدف و مقصود قرار گیرد، باعث سقوط آدمی می‌گردد. حضرت علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «وَأَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا مَنَزِلُ قُلْعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارٍ نُجْعَةٌ قَدْ تَزَيَّنَتْ بِغُرُورِهَا وَ غَرَّتْ بِزِينَتِهَا؛ شما را از دنیا بر حذر می‌دارم که سرایی است ناپایدار، نه جایی که در آن بار توان گشود و دل در آن بست. به زیورهای فریبنده خود را آراسته است و به آن آرایش فریبکارانه دیگران را می‌فریبد» (همان، خطبه 112) (سیدرضی، 1378: 261).

- زینت‌های شیطانی: شیطان عامل مهمی برای زیبا جلوه دادن بدی‌هاست و می‌توان گفت که از آرایشگران ماهر و چیره‌دست است. شیطان با آراستن گناهان ارتکاب آن را آسان می‌نماید؛ حضرت علی (ع) می‌فرماید: «... وَالشَّيْطَانُ مُوَكَّلٌ بِهِ يُزَيِّنُ لَهُ الْمُعْصِيَةَ لِيَرْكَبَهَا...؛ و شیطان مهیا و در کمین است تا گناهان را در چشم او بیاراید و به ارتکاب معاصی برانگیزاندش...» (همان، خطبه 63) (سید رضی، 1378: 127).

- زینت‌های نفسانی: نفس از دیگر زینت‌بخش‌هایی است که دنیا را در چشم دنیاپرستان می‌آراید. حضرت علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي أَحْذَرُكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا حُلُوَةٌ خَضِرَةٌ ... وَ تَحَلَّتْ بِالْأَمَالِ وَ تَزَيَّنَتْ بِالْغُرُورِ...؛ خواهش‌های نفسانی مردم را با نعمت زوال یابنده خود به دوستی فرامی‌خواند و متاع اندکش را در چشم آنان زیبا جلوه می‌دهد. در جامه آرزوها خود را بنمایاند و به فریب، خویشتن را بیاراید» (همان، خطبه 110) (سید رضی، 1378: 255).



حضرت (ع) در وصیت به شریح بن هانی، هنگامی که او را به شام می‌فرستد، می‌فرماید: «و در هیچ حال امینش مشمار و بدان که اگر نفس خویش را از بسیاری از آنچه دوست می‌داری، به سبب آنچه ناخوش می‌داری، باز نداری، هوا و هوس تو را به راههایی می‌کشاند که زیان‌های فراوان در انتظارت خواهد بود. پس همواره زمام نفس خویش فرو گیر و راه خطا بر او بربند و چون به خشم آمدی، مقهورش ساز و سرش را فروکوب و خردش نمای» (همان، نامه 56) (سیدرضی، 1378: 757).

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت:

1. در نهج البلاغه جمال انسان دارای دسته‌بندی‌ها و مراتبی است که می‌توان به‌طور کلی به دو دسته جمال ظاهر و جمال باطن تقسیم‌بندی نمود.
2. همه انواع جمال انسان در جایگاه خود دارای ارزش و اهمیت است و باید به آن توجه نمود ولی توجه بیش از حد به هر کدام از آنها موجب غفلت از دیگر انواع جمال می‌شود.
3. جمال جسمی گرچه در جایگاه خود مهم و از ضروریات بقاء نسل است، ولی خداوند آن را برای آزمایش، به انسان‌ها عطا فرموده و توجه بیش از حد در این نوع از زیبایی، انسان را از مسیر سعادت دور می‌گرداند.
4. فضایل اخلاقی و زیبایی‌های اعمال و رفتار از جمله جمال ظاهری هستند که در مرتبه‌ای بالاتر از زیبایی جسمی قرار دارند و باید مورد عنایت قرار گیرند.
5. جمال باطن که مهم‌ترین زیبایی انسان است، به مراتب برتر است؛ چرا که باطن زیبا، ظاهر زیبا را نیز می‌تواند پدیدار سازد و این به معنای پیوند ظاهر و باطن است و در نهایت کسی که از اخلاق و رفتار زیبا برخوردار باشد نشانی از خصایص پسندیده درونی او می‌باشد.
6. در نهج البلاغه برخی زیبایی‌ها و آراستگی‌ها به‌عنوان آفات جمال و زینت‌های فریبنده همچون زینت‌های دنیوی، شیطانی و نفسانی بیان شده و حضرت (ع) در مورد آنها هشدارهایی را بیان فرموده است تا انسان از مسیر سعادت منحرف نگردد.



فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. آریا، غلامعلی؛ موسوی کاوکانی، مینو، «جمال در اسلام»، فصلنامه الهیات، س 3، ش 8، 1388.
3. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی- فارسی بر اساس فرهنگ عربی- انگلیسی هانس ور، تهران: نشر نی، 1392.
4. ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، ج 6، ویراستار محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه عمومی آیة الله مرعشی نجفی، 1338.
5. ----- ، شرح نهج البلاغه ویراستار محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه عمومی آیة الله مرعشی نجفی، ج 18، 1341.
6. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ترجمه علی‌اکبر غفاری، ویراستاران محمدجواد غفاری و صدر بلاغی، تهران: نشر صدوق، 1367.
7. ابن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه، ج 5، بی‌جا: دفتر نشر الکتاب، 1374.
8. ----- ، شرح نهج البلاغه، ویراستار قربانعلی محمدی مقدم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، 1375.
9. تقوایی، ویدا، «از جمال‌شناسی تا زیبایی‌شناسی»، چکیده گزارش درس (معماری و فرهنگ اسلامی)، ش 11، 1381.
10. جعفری، محمدتقی، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، 1381.
11. جوادی املی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، تهران: انتشارات رجا، 1369.
12. خرقانی، حسن، «مفاهیم زیبایی‌شناختی در قرآن»، مطالعات اسلامی، ش 80، 1385.
13. خوانساری، آقا جمال محمد بن حسین، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ویراستار جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، تهران: دانشگاه تهران، 1366.
14. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: نشر دفتر فرهنگ اسلامی، 1378.



15. سعیدی، ایمان، «بازنمایی ماهیت زیبایی‌شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث»، دو فصلنامه تخصصی - پژوهشی میان‌رشته‌ای قرآن کریم، س 5، ش 1، 1393.
16. سلیمانی آشتیانی، مهدی؛ درایتی، محمدحسین، مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، قم: دار الحدیث، 1387.
17. طبرسی، حسن بن فضل، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ویراستاران علی عبدالحمیدی، اکبر غفوری، احمد امیری شادمهری، عبدالعلی صاحبی، حبیب روحانی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1375.
18. -----، مکارم الاخلاق، ویراستار ابراهیم میرباقری، تهران: انتشارات فراهانی، 1365.
19. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، 1377.
20. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، 1409ق.
21. فیض الاسلام، سیدعلی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: انتشارات فقیه، 1379.
22. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ویراستار محمدباقر کمره‌ای، قم: نشر اسوه، 1375.
23. -----، اصول کافی، ویراستار سیدجواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، 1369.
24. -----، الکافی، ویراستاران علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1407ق.
25. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1403ق.
26. مدرس وحید، احمد، شرح نهج البلاغه، ج 10، بی‌جا، بی‌نا، 1360.
27. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1368.
28. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین، ج 12، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، 1390.

